



مسئولیت ملی؛ معیار سنجش عملکرد همه ایرانیان

مقدمه

یکی از مسائل اساسی جامعه ایران، ناتوانی در رسیدن به یک توافق ملی بر سر این پرسش بنیادی است که **منافع ملی چیست و هر یک از ما در قبال تأمین آن چه مسئولیت و وظیفه‌ای داریم؟**

به این جهت می‌توان گفت: بخش مهمی از اختلافات و ناکامی‌های سیاسی جامعه، ناشی از درک نادرست یا ناقص از مفهوم **منافع ملی و مسئولیت فردی و جمعی در قبال آن** می‌باشد.

هنگامی که افراد و جریان‌های سیاسی، درک درستی از منافع ملی و مسئولیت و وظایف خود در راستای تأمین منافع ملی نداشته باشند، آنگاه منافع فردی، گروهی، سازمانی، حزبی یا ایدئولوژیک خود را جایگزین منافع ملی خواهند کرد و تأمین منافع ملی برای آنان قابل فهم و درک نخواهد بود.

از این رو، با وجود چنین شرایطی، حتی نیروهایی که ممکن است در بسیاری از مسائل با یکدیگر اشتراک داشته باشند، به جای همکاری برای تحقق اهداف مشترک ملی، در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند.

این مسئله فقط به رهبران و فعالان سیاسی محدود نمی‌شود. هر شهروند، متناسب با جایگاه، توانایی، اختیار و میزان تأثیرگذاری خود، در تعیین سرنوشت خویش، خانواده و کشور نقش دارد و بنابراین نمی‌تواند مسئولیت خود را نسبت به منافع ملی به دیگران واگذار کند.

اگر هر فرد بداند **منافع ملی چیست، چه ارتباطی با زندگی شخصی و آینده خانواده او دارد و در قبال آن چه مسئولیتی بر عهده دارد**، آنگاه می‌توان انتظار داشت که نگاه او به سیاست نیز تغییر کند.

در چنین نگرشی، سیاست دیگر عرصه‌ای صرفاً برای کسب قدرت یا تحقق خواسته‌های یک فرد و گروه نخواهد بود؛ بلکه وسیله‌ای برای **تأمین منافع مردم و کشور و فراهم کردن زندگی بهتر، آزاد، آسوده، مطمئن و امن برای همگان** خواهد بود. به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهمی که جامعه ایران تاکنون نتوانسته به **حاکمیت ملی و حاکمیت قانون** دست یابد، همین ضعف در شکل‌گیری یک فرهنگ عمومی مبتنی بر شناخت منافع ملی و پذیرش مسئولیت فردی و جمعی در قبال آن است. از این رو، پیش از آنکه درباره مسئولیت رهبران، نیروهای سیاسی، هواداران یا شهروندان سخن بگوییم، ابتدا باید روشن کنیم که **منافع ملی چیست، متعلق به چه کسانی است و چرا هر ایرانی در قبال حفظ و تأمین آن مسئولیت دارد.**

۱- منافع ملی چیست؟

واژه «منافع» جمع «منفعت» است و منفعت به معنای سود، فایده و آن چیزی است که برای انسان یا جامعه دارای سود و فایده باشد.

واژه «ملی» نیز از «ملت» گرفته شده و به آنچه به ملت مربوط است اطلاق می‌شود.

بنابراین، هنگامی که از «**منافع ملی**» سخن می‌گوییم، منظور منافع مربوط به ملت است؛ نه منافع یک فرد، یک خانواده، یک حزب، یک گروه، یک جریان سیاسی، یک قوم، یک مذهب یا یک ایدئولوژی خاص.

در مورد ایران، «منافع ملی» را باید دربرگیرنده منافع اساسی و پایدار همه ایرانیان، با هر باور، عقیده، گرایش سیاسی، مذهب، قومیت و سبک زندگی دانست.

منافع ملی را نمی‌توان به منافع اکثریت یا یک گروه خاص تقلیل داد. همچنین منافع امروز مردم نباید به قیمت نابودی منافع نسل‌های آینده تأمین شود.

حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، امنیت، حفظ جان و کرامت انسان‌ها، آزادی و حقوق اساسی مردم، حاکمیت قانون، رفاه و پیشرفت اقتصادی، عدالت، توسعه علمی و فرهنگی، حفظ منابع طبیعی و محیط زیست و فراهم کردن شرایط مناسب برای زندگی نسل‌های آینده، از جمله موضوعاتی هستند که می‌توانند در چارچوب منافع ملی قرار گیرند.

بنابراین:

منافع ملی یعنی منافع اساسی و پایدار همه مردم ایران، با هر باور و گرایشی، و منافع پایدار کشور ایران و نسل‌های آینده.

از این تعریف یک نتیجه اساسی به دست می‌آید:

منافع ملی متعلق به همه ایرانیان است؛ بنابراین مسئولیت حفظ و تأمین آن نیز نمی‌تواند متعلق به یک فرد، گروه یا جریان سیاسی خاص باشد.

2- منافع فردی در گرو تأمین منافع ملی

درک منافع ملی زمانی اهمیت واقعی خود را پیدا می‌کند که هر فرد بداند **منافع شخصی او نیز در گرو تأمین منافع ملی است**. هیچ‌کس نمی‌تواند زندگی خود و خانواده‌اش را به‌طور کامل از شرایط جامعه و کشور جدا کند.

خانه‌ای امن در جامعه‌ای ناامن، ثروت در اقتصادی بی‌ثبات، آزادی فردی در جامعه‌ای که قانون در آن حاکم نیست و زندگی آسوده در کشوری که آینده آن نامطمئن است، نمی‌تواند امنیت و آسودگی پایدار برای فرد فراهم کند. از این رو، برای دستیابی به زندگی بهتر، هر فرد ناگزیر است به شرایطی بیندیشد که تأمین منافع مشترک و ملی را امکان‌پذیر می‌کند.

برای درک ساده‌تر این موضوع، می‌توان یک شرکت سهامی را مثال زد. هر شریک برای کسب منفعت وارد شرکت شده است، اما اگر هرکس فقط منفعت شخصی خود را دنبال کند و به منافع مشترک شرکت بی‌توجه باشد، در نهایت منفعت خود او نیز به خطر خواهد افتاد. بنابراین، حفظ منفعت هر شریک، در گرو حفظ منافع مشترک است.

جامعه نیز از همین منطق پیروی می‌کند. **بهترین راه تأمین منافع هر فرد، فراهم آوردن شرایطی است که منافع مشترک جامعه و منافع ملی تأمین شود**. هرچه منافع ملی بیشتر تأمین شود، زمینه برای کاهش بسیاری از مشکلات اجتماعی و فراهم شدن زندگی بهتر، آزاد، آسوده، مطمئن و امن‌تر برای افراد نیز بیشتر خواهد شد.

براساس این دیدگاه، تأمین منافع ملی موضوعی جدا از زندگی روزمره مردم نیست؛ بلکه مستقیماً با امنیت، آزادی، رفاه، آینده خانواده‌ها و کیفیت زندگی تکتک افراد ارتباط دارد. بنابراین، مسئولیت در قبال منافع ملی، در واقع مسئولیت هر فرد در قبال سرنوشت خود، خانواده خود، جامعه و کشور است.

3- مسئولیت هر فرد در قبال منافع ملی؛ متناسب با جایگاه و تأثیرگذاری

هر شخص، در هر جایگاه سیاسی - اجتماعی که قرار دارد، متناسب با اختیار، توانایی، نقش و میزان تأثیرگذاری خود، در قبال تأمین و حفظ منافع ملی مسئول است.

این مسئولیت با عنوان، شهرت، وابستگی سیاسی یا ادعای فرد ایجاد نمی‌شود؛ بلکه از جایگاه و نقشی که شخص در جامعه دارد ناشی می‌شود.

هر شخص، در هر جایگاه سیاسی - اجتماعی که قرار دارد، متناسب با اختیار، توانایی، نقش و میزان تأثیرگذاری خود، در قبال تأمین و حفظ منافع ملی مسئول است.

این مسئولیت با عنوان، شهرت، وابستگی سیاسی یا ادعای فرد ایجاد نمی‌شود؛ بلکه از جایگاه و نقشی که شخص در جامعه دارد ناشی می‌شود.

هرچه اختیار، قدرت تصمیم‌گیری، نفوذ اجتماعی و امکان تأثیرگذاری فرد بر سرنوشت جامعه بیشتر باشد، میزان مسئولیت او نیز بیشتر خواهد بود. به قول معروف: «هرکه بامش بیش، برفش بیشتر. هرکه جاه و مقامش والاتر و بالاتر، مسئولیتش هم بیشتر است.»

بنابراین، مسئولیت یک رهبر سیاسی با مسئولیت عضو یک تشکل، حامی مالی، هوادار یا شهروند عادی یکسان نیست؛ اما هیچ‌یک را نمی‌توان صرفاً به دلیل جایگاه خود از اصل مسئولیت ملی معاف دانست.

به هرروی، اصل مسئولیت ملی همگانی است؛ اما درجه و نوع مسئولیت هر فرد متناسب با جایگاه، اختیار، نقش، میزان تأثیرگذاری و عملکرد او تعیین می‌شود.

۳- سیاست و مسئولیت هر شهروند

سیاست از تولد تا مرگ، به شکل‌های مختلف با زندگی همه ما ارتباط مستقیم دارد و گریزی از آن نیست.

امنیت، اقتصاد، آموزش، بهداشت، اشتغال، مسکن، آزادی‌های اجتماعی، محیط زیست، روابط خارجی، جنگ و صلح و بسیاری دیگر از مسائل زندگی، تحت تأثیر تصمیم‌های سیاسی قرار دارند.

بنابراین نمی‌توان سیاست را از زندگی انسان جدا کرد.

هر ایرانی باید برای شناخت مسائل سیاسی و تشخیص درست مسیر آینده کشور تلاش کند؛ زیرا تعیین بهترین سرنوشت برای خود، خانواده و کشور، بدون شناخت اشخاص و جریان‌هایی که در تعیین این سرنوشت نقش دارند، امکان‌پذیر نیست. اما شناخت به تنهایی کافی نیست.

هر شهروند، پس از بررسی عملکرد اشخاص و جریان‌های سیاسی و تشخیص اینکه کدامیک در جهت تأمین منافع ملی، یعنی در جهت فراهم آوردن زندگی بهتر، آسوده‌تر، مطمئن‌تر و امن‌تر برای همه مردم حرکت می‌کنند، باید در حد توان و امکانات خود از آن مسیر و نیروها حمایت کند.

زیرا بهترین راه تأمین منافع هر یک از ما، در تأمین منافع دیگران و در نهایت تأمین منافع ملی است. هیچ‌یک از ما جدا از جامعه زندگی نمی‌کنیم و امنیت، آرامش، رفاه و آینده هر فرد، به وضعیت کلی جامعه و کشور وابسته است.

هنگامی که منافع ملی تأمین شود، بسیاری از زمینه‌های ایجاد معضلات و آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد و انسان‌ها می‌توانند در محیطی امن‌تر، آرام‌تر و باثبات‌تر زندگی کنند و زندگی خود را با آسودگی بیشتری سپری نمایند.

بنابراین، حمایت از مسیری که در جهت تأمین منافع ملی قرار دارد، تنها حمایت از «دیگران» نیست؛ بلکه در حقیقت تلاش برای تأمین منافع خود، خانواده خود و جامعه‌ای است که زندگی ما و آینده فرزندانمان به آن وابسته است.

این حمایت می‌تواند متناسب با شرایط و توانایی هر فرد، از رأی دادن و مشارکت مدنی گرفته تا حمایت اجتماعی، رسانه‌ای، مالی، تشکیلاتی یا هر شکل مشروع دیگری باشد.

بنابراین:

اگر سرنوشت سیاسی کشور بر زندگی همه ما اثر می‌گذارد، تلاش برای قرار گرفتن کشور در مسیر درست نیز نمی‌تواند فقط وظیفه رهبران و فعالان سیاسی باشد. هر شهروند باید در حد توان خود در تحقق این هدف مشارکت کند.

۴- «من سیاسی نیستم» آیا مسئولیت را از بین می‌برد؟

گروهی از شهروندان می‌گویند:

«من سیاسی نیستم.»

اگر منظور از این جمله این باشد که فرد نمی‌خواهد در فعالیت حزبی یا تشکیلاتی شرکت کند، هرچند درست نیست، اما به هر حال انتخاب هر شخصی است.

اما اگر منظور این باشد که فرد به همین دلیل هیچ مسئولیتی نسبت به سرنوشت سیاسی جامعه و منافع ملی ندارد، چنین نتیجه‌ای قابل پذیرش نیست.

هر فرد، چه در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته باشد و چه نداشته باشد، از نتایج تصمیم‌ها و عملکردهای سیاسی جامعه تأثیر می‌پذیرد. امنیت، اقتصاد، آموزش، بهداشت، اشتغال، آزادی، رفاه و آینده خانواده او، همگی به شکل مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر تصمیم‌های سیاسی قرار دارند.

بنابراین، عدم مشارکت حزبی یا تشکیلاتی، فرد را از مسئولیت او در قبال سرنوشت خود، خانواده و کشور معاف نمی‌کند. «سیاسی نبودن» می‌تواند یک انتخاب شخصی درباره شیوه مشارکت باشد، اما نمی‌تواند بهانه‌ای برای نادیده گرفتن مسئولیت فرد نسبت به سرنوشت سیاسی خود، خانواده و کشور باشد.

۵- مسئولیت اشخاص بر اساس جایگاه و میزان تأثیرگذاری

برای بررسی میزان مسئولیت افراد، می‌توان جامعه سیاسی را بر اساس جایگاه و میزان تأثیرگذاری آنان دسته‌بندی کرد.

الف) رهبران و مسئولان ارشد تشکلهای

هر شخصی که در بالاترین سطح یک تشکل، گروه یا جریان سیاسی قرار دارد، صرف‌نظر از اندازه آن مجموعه، در قبال تأمین و حفظ منافع ملی مسئولیت دارد و در میان نیروهای سیاسی خارج از حاکمیت، بالاترین درجه مسئولیت را بر عهده دارد.

این مسئولیت ناشی از عنوان یا ادعای فرد نیست؛ بلکه ناشی از جایگاه، اختیار، نقش، میزان نفوذ و امکان تأثیرگذاری او بر تصمیم‌ها و عملکرد آن مجموعه است.

بنابراین، هرچه جایگاه و میزان تأثیرگذاری یک رهبر سیاسی بیشتر باشد، مسئولیت او نیز در قبال عملکرد و پیامدهای آن بیشتر خواهد بود.

این مسئولیت ناشی از ادعا یا معرفی فرد نیست؛ ناشی از جایگاه، اختیار و نقشی است که او در تعیین مسیر، مواضع و عملکرد آن مجموعه دارد.

هرچه قدرت تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بیشتر باشد، مسئولیت نیز سنگین‌تر است.

ب) اعضای تیم رهبری و تصمیم‌گیرندگان

افرادی که در تصمیم‌گیری‌های اصلی یک تشکل یا جریان سیاسی مشارکت دارند، متناسب با نقش و میزان مشارکت خود، در قبال تصمیم‌هایی که در آنها نقش داشته‌اند مسئول‌اند.

البته در تصمیم‌گیری‌های جمعی، به احتمال زیاد ممکن است شخص یا اشخاصی در رابطه با یک موضوع با تصمیم پیشنهادی مخالف باشند. از این رو، در صورتجلسه هر تصمیم می‌بایست مواضع موافقان، مخالفان و حتی ممتنعان به‌طور روشن ثبت شود و آنان صورتجلسه را امضا کنند تا مسئولیت یک تصمیم به‌صورت یکسان متوجه همه تصمیم‌گیرندگان نشود.

در نتیجه، مسئولیت افراد نباید صرفاً بر اساس عضویت آنان در یک تیم یا تشکل تعیین شود، بلکه باید بر اساس موضع واقعی، میزان مشارکت، اختیار، نقش و عملکرد هر فرد در تصمیم مورد نظر ارزیابی شود.

ج) اعضا و همکاران تشکیلاتی

افرادی که با یک تشکل یا جریان سیاسی همکاری می‌کنند، متناسب با نقش، اختیار، میزان مشارکت و تأثیرگذاری خود در آن مجموعه، در قبال عملکرد خود مسئولیت دارند.

اعضای یک تشکل، در انتخاب رهبران و مسئولان آن مجموعه، نقش و مسئولیت مهمی دارند. بنابراین، هنگام انتخاب فردی برای رهبری یا مسئولیت‌های مهم، باید نهایت دقت را در بررسی صلاحیت، شایستگی، توانایی، سابقه و دیدگاه‌های او، به‌ویژه در زمینه تأمین منافع ملی، به کار گیرند.

زیرا انتخاب یک رهبر یا مسئول، در واقع انتخاب فردی است که قرار است در تعیین مسیر و تصمیم‌های آن مجموعه نقش داشته باشد. از این رو، عضو نمی‌تواند پس از انتخاب فردی که صلاحیت لازم را برای آن جایگاه نداشته است، به‌طور کامل خود را از پیامدهای انتخاب خود میرا بداند.

البته مسئولیت عضو با مسئولیت رهبر یکسان نیست. رهبر و تصمیم‌گیرنده، به دلیل اختیار و تأثیرگذاری مستقیم خود، مسئولیت بیشتری دارد؛ اما عضو نیز متناسب با نقشی که در انتخاب، حمایت و ادامه فعالیت آن مجموعه دارد، دارای مسئولیت است.

بنابراین، ملاک تعیین میزان مسئولیت هر عضو، صرفاً عنوان «عضویت» نیست؛ بلکه باید نقش او در انتخاب مسئولان، میزان حمایت، مشارکت، اختیار، تأثیرگذاری و عملکرد او مورد توجه قرار گیرد.

د) حامیان مالی، رسانه‌ها و شخصیت‌های بانفوذ

کسانی که از نظر مالی، رسانه‌ای، اجتماعی یا سیاسی به یک شخص، تشکل یا جریان سیاسی امکان فعالیت، گسترش و اثرگذاری می‌دهند، متناسب با میزان حمایت، اختیار، نفوذ و تأثیرگذاری خود در قبال عملکرد و پیامدهای آن مسئولیت دارند.

میزان مسئولیت این افراد و نهادها صرفاً به جایگاه رسمی آنان بستگی ندارد؛ بلکه میزان واقعی نفوذ و تأثیرگذاری آنان بر افکار عمومی و رفتار جامعه نیز باید در تعیین مسئولیت مورد توجه قرار گیرد.

به‌ویژه رسانه‌ها و شخصیت‌های بانفوذ اجتماعی و سیاسی، به دلیل نقش مهمی که در شکل‌دهی به افکار عمومی دارند، می‌توانند تأثیری بسیار گسترده بر انتخاب‌ها و رفتار مردم داشته باشند. از این رو، در مواردی که میزان تأثیرگذاری آنان از یک رهبر یا مسئول سیاسی نیز بیشتر باشد، مسئولیت آنان در قبال پیامد عملکردشان نیز می‌تواند بیشتر از مسئولیت آن رهبر یا مسئول باشد.

بنابراین، هر رسانه یا شخصیت بانفوذی که از یک شخص یا جریان سیاسی حمایت می‌کند، باید پیش از این حمایت، عملکرد، دیدگاه‌ها و مسیر آن شخص یا جریان را از منظر تأمین منافع ملی مورد بررسی قرار دهد.

اگر چنین حمایت‌هایی موجب افزایش نفوذ شخص یا جریانی شود که عملکردش برخلاف منافع ملی است، حامی نیز متناسب با میزان تأثیرگذاری خود، در قبال پیامدهای این حمایت مسئولیت دارد.

قدرت واقعی تأثیرگذاری، حتی بدون داشتن سمت رسمی، ایجاد مسئولیت می‌کند؛ و هرچه این تأثیرگذاری بیشتر باشد، مسئولیت نیز بیشتر خواهد بود.

ه) هواداران و پشتیبانان عمومی

هوادار عادی نیز با حمایت خود به یک شخص یا جریان سیاسی پشتوانه اجتماعی و امکان تأثیرگذاری می‌دهد. بنابراین، هواداری یک انتخاب سیاسی است و فرد باید پیش از حمایت، عملکرد، دیدگاه‌ها و پیامدهای عملکرد شخص یا جریان مورد حمایت خود را با دقت بررسی کند.

هوادر نباید اسیر احساسات، علاقه شخصی یا تعصب خشک شود، بلکه باید مسائل مختلف را با چشم باز و ذهنی پرسشگر دنبال کند و دیدگاه‌های موافق و مخالف را با دقت بشنود و بررسی کند تا بتواند درک درست‌تری از مسائل به دست آورد.

ممکن است فردی در ابتدا از شخص یا جریانی حمایت کند، اما پس از بررسی بیشتر و مشاهده عملکرد و پیامدهای آن، به این نتیجه برسد که آن شخص یا جریان در راستای تأمین منافع ملی حرکت نمی‌کند. در چنین شرایطی، ادامه حمایت، بدون بازنگری در موضع خود، با مسئولیت فرد در قبال منافع ملی سازگار نخواهد بود.

بنابراین، هواداری نباید به معنای دفاع بدون بررسی و بدون قید و شرط از یک شخص یا جریان باشد. هوادر باید همواره این امکان را برای خود محفوظ بدارد که در صورت مشاهده عملکردی برخلاف منافع ملی، در حمایت خود تجدیدنظر کند. هواداری آگاهانه یعنی حمایت از یک شخص یا جریان تا زمانی که عملکرد آن در راستای تأمین منافع ملی باشد، نه حمایت از آن شخص یا جریان تحت هر شرایطی.

۶- عملکرد و پیامد آن؛ مسئولیت مستقل از نیت

مسئولیت را نمی‌توان صرفاً بر اساس نیت فرد ارزیابی کرد. آنچه یک شخص انجام می‌دهد و پیامدهایی که عملکرد او برای دیگران و جامعه ایجاد می‌کند نیز باید در ارزیابی مسئولیت او مورد توجه قرار گیرد.

برای روشن شدن موضوع، فرض کنید شخصی برای انجام کاری ضروری و با نیت کمک به فرد دیگری، خودروی خود را به دلیل عجله جلوی پارکینگ منزلی متوقف می‌کند. در همان منزل بیماری وجود دارد که نیاز فوری به انتقال به بیمارستان دارد، اما به دلیل بسته بودن مسیر، امکان خروج خودرو و انتقال بیمار فراهم نمی‌شود و در نتیجه، بیمار جان خود را از دست می‌دهد.

در چنین وضعیتی، صرف اینکه شخص قصد کمک به دیگری داشته است، به‌تنهایی نمی‌تواند او را از بررسی مسئولیت ناشی از عملکردش معاف کند. این مثال نشان می‌دهد که نیت خوب، لزوماً نتیجه خوب ایجاد نمی‌کند و نمی‌توان تنها با استناد به نیت، پیامدهای یک عملکرد را نادیده گرفت.

همین اصل در عرصه سیاسی نیز اهمیت دارد. ممکن است شخصی یا جریانی با ادعای خیرخواهی یا با تصور اینکه در حال خدمت به کشور است، ندانسته اقدامی انجام دهد؛ اما اگر آن اقدام در عمل برخلاف منافع ملی باشد، نمی‌توان صرفاً به دلیل نیت یا ادعای خیرخواهانه، پیامدهای آن را نادیده گرفت.

بنابراین:

هرکس متناسب با جایگاه، اختیار، نقش، میزان تأثیرگذاری و عملکرد خود، در قبال پیامدهای عملکردش مسئول است؛ و نیت یا ناآگاهی، بسته به شرایط، می‌تواند در تعیین درجه مسئولیت مؤثر باشد، اما لزوماً اصل مسئولیت را از میان نمی‌برد.

۷- مسئولیت در قبال همبستگی ملی

در شرایطی که یک هدف مشترک ملی میان بخش بزرگی از جامعه وجود دارد، یکی از معیارهای مهم ارزیابی عملکرد نیروهای سیاسی این است که آیا عملکرد آنان به همبستگی ملی کمک می‌کند یا آن را تضعیف می‌کند.

افراد می‌توانند درباره شکل حکومت آینده، اقتصاد، فرهنگ، سیاست خارجی و بسیاری مسائل دیگر، در راستای تأمین منافع ملی با یکدیگر اختلاف داشته باشند، اما در یک هدف مشترک ملی باید با یکدیگر همکاری کنند.

بنابراین، اختلاف‌نظر در مسائل مختلف، در صورتی که در راستای تأمین منافع ملی باشد، اشکالی به آن وارد نیست و می‌تواند بخشی طبیعی از یک جامعه آزاد و پویا باشد.

اما اگر اختلاف‌نظرها یا موضع‌گیری‌ها در جهت تأمین منافع ملی نباشد و در عمل موجب تضعیف منافع ملی و مانع تحقق اهداف مشترک ملی شود، فرد یا جریان مربوطه باید در قبال عملکرد و پیامدهای آن پاسخگو باشد.

باید توجه داشت، دموکراسی برای فراهم آوردن زندگی بهتر، آسوده‌تر، مطمئن‌تر و امن‌تر برای همگان است، نه بالعکس.

بنابراین، هنگامی که افراد یا جریان‌های سیاسی در یک هدف مشترک ملی با یکدیگر اشتراک دارند، اختلافات فردی، گروهی، سازمانی یا سیاسی نباید مانع همکاری آنان برای تحقق آن هدف مشترک شود.

اگر فرد یا جریانی به دلیل اختلافات فردی، گروهی، سازمانی یا سیاسی، مانع همکاری نیروهای همسو در تحقق یک هدف مشترک ملی شود و این عملکرد موجب تضعیف همبستگی ملی و وارد شدن زیان به مردم و کشور شود، باید در قبال عملکرد و پیامدهای آن پاسخگو باشد.

از اساس این استدلال:

همبستگی ملی به معنای کنار گذاشتن اختلاف‌نظرها نیست؛ بلکه به معنای قرار دادن منافع ملی در جایگاهی است که اختلافات نتوانند مانع همکاری برای تحقق اهداف مشترک ملی شوند.

۸- پاسخگویی و تفاوت آن با جرم

اگر مسئولیت وجود دارد، پاسخگویی نیز باید وجود داشته باشد.

هر فردی که در قبال عملکرد خود مسئول است، باید بتواند درباره تصمیم‌ها و اقدامات خود توضیح دهد و در صورت ضرورت، اشتباه خود را اصلاح کند.

پاسخگویی می‌تواند شامل توضیح، پذیرش اشتباه، اصلاح مسیر، کناره‌گیری از مسئولیت یا از دست دادن اعتماد عمومی باشد.

اما باید میان مسئولیت سیاسی و اجتماعی و جرم کیفری تفاوت گذاشت.

ممکن است عملکردی از نظر سیاسی یا اخلاقی برخلاف منافع ملی باشد، اما تا زمانی که قانون آن رفتار را جرم تعریف نکرده باشد، نمی‌توان برای آن مجازات کیفری تعیین کرد.

بنابراین، مسئولیت ملی الزاماً به معنای «مجرم بودن» فرد نیست؛ بلکه به معنای آن است که فرد نمی‌تواند خود را از پاسخگویی نسبت به عملکرد و پیامدهای آن کاملاً مبرا بداند.

جمع‌بندی

منافع ملی متعلق به همه ایرانیان است و تأمین آن یک مسئولیت همگانی است؛ زیرا منافع هر یک از ما در گرو تأمین منافع ملی است. هیچ فردی نمی‌تواند سرنوشت خود و خانواده‌اش را از سرنوشت جامعه و کشور جدا بداند.

هر فرد، متناسب با جایگاه، اختیار، نقش، آگاهی، نفوذ و میزان تأثیرگذاری خود، در قبال انتخاب‌ها، عملکرد و پیامد عملکرد خویش مسئول است. هرچه این اختیار و تأثیرگذاری بیشتر باشد، مسئولیت نیز بیشتر خواهد بود.

از این رو، هیچ‌کس، چه در جایگاه رهبری و تصمیم‌گیری سیاسی و چه به عنوان عضو، حامی، هوادار، شخصیت بانفوذ، رسانه یا حتی شهروندی که خود را «سیاسی نمی‌داند»، نمی‌تواند مسئولیت خود را در قبال منافع ملی به دیگران واگذار کند.

همبستگی ملی نیز زمانی شکل می‌گیرد که منافع ملی بر اختلافات فردی، گروهی و سیاسی اولویت پیدا کند و اختلاف‌نظرها مانع همکاری برای تحقق اهداف مشترک ملی نشوند.

بنابراین، آنچه باید در فرهنگ سیاسی جامعه نهادینه شود، یک اصل ساده اما اساسی است:

هر ایرانی در قبال منافع ملی مسئول است؛ و هرچه جایگاه، اختیار و میزان تأثیرگذاری او بیشتر باشد، مسئولیت او نیز بیشتر است.

با قرار دادن منافع ملی در محور تصمیم‌گیری‌ها و عملکردها، می‌توان در کوتاه‌ترین زمان ممکن، ایران را به کشوری مرفه، آزاد، امن و صلح‌جو در جهان تبدیل کرد.

در پایان، پرسیدنی است:

- کدامیک از ما، به‌ویژه رهبران و جریان‌های سیاسی، تاکنون به مسئولیت و وظایف ملی خود در قبال تأمین منافع ملی عمل کرده‌ایم؟

- آیا کسی می‌تواند شخص یا جریانی را معرفی کند که بتواند با عملکرد و شواهد روشن، نشان دهد که به مسئولیت و وظایف ملی خود در راستای تأمین منافع ملی عمل کرده است؟

ناصر پاک نژاد